

مطالعه گرایش ایرانیان به هویت مدرن

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۱۷

ابراهیم حاجیانی^۱

محسن درویشی^۲

چکیده

بسیاری از محققان هویت ایرانیان را یک هویت ترکیبی که شامل هویت ملی، دینی، قومی و مدرن در نظر می‌گیرند. موضوع هویت مدرن یکی از مهمترین مسائل اجتماعی در جامعه ایران محسوب می‌شود و اهمیت آن در حدی است که می‌توان گفت بر کثیری از پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی ایران امروز تاثیر دارد. یک وجه مهم این موضوع دامنه تاثیرپذیری و گرایش جامعه ایران به این بعد از هویت است. بنابراین در این مقاله سعی شده است گرایش ایرانیان به هویت مدرن مورد سنجش قرار بگیرد. رویکرد اصلی مقاله حاضر مبتنی بر نظریه‌های نوسازی است.

در این مقاله هویت مدرن به سه بعد ارزش‌های بنیادی مدرنیته (معرفتی و اجتماعی) تمایل و گرایش به مدرنیسم و هویت جهانی تقسیم شده است.

پرسشنامه طراحی شده پس از چند بار آزمون، در جمعیت نمونه ۱۸۰۲ نفری در سیزده شهر (مرکز استان) اجرا شده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد نگرش ایرانیان به ارزش‌های بنیادین مدرنیته نسبت به میانگین در حد متوسط است؛ اما نگرش آنها به مدرنیسم و تمایل به غرب از میانگین پایین‌تر است؛ در حالی که دیدگاه آنها نسبت به هویت جهانی بالاتر از حد میانگین است؛ این نتایج نشان می‌دهد در مجموعه ابعاد هویت مدرن در شاکله هویت ایرانی حضور قوی و جدی دارد و گرایش ایرانیان نسبت به ارزش‌های مدرنیته و جهانی شدن، جدی و قابل ملاحظه است.

واژگان کلیدی:

هویت مدرن، هویت جهانی، ارزش‌های مدرن، مدرنیسم.

۱. دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

طرح مسئله

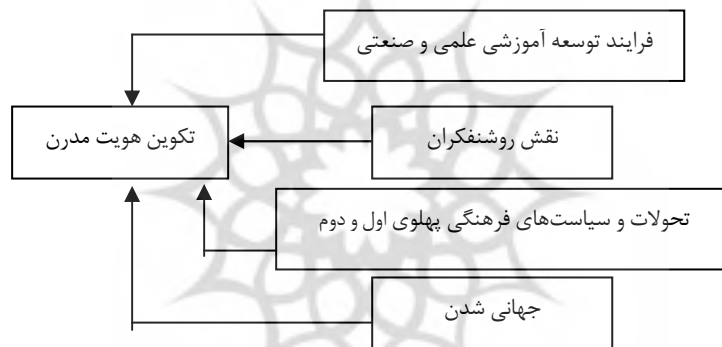
در میان اکثر محققان و نویسندگان ایرانی که به موضوع هویت در ایران توجه داشته‌اند، اشارات مستقیم و موکد (یا غیرمستقیم) به نقش و تاثیر غرب، غربی شدن، تجدد، جهانی شدن یا جهانی کردن و مدرنیته در هویت ایرانی وجود داشته و عمدتاً پذیرفته‌اند که فرهنگ و هویت ایرانی در جریان تعاملات تاریخی ایران با کشورهای اروپایی، تحت تاثیر قرار گرفته و لایه یا بعدی جدید به آن افزوده شده است. در واقع هویت غربی یا متجدد ابتدا در نقش «دگر هویت سنتی» قرار داشت ولی به تدریج و با ورود و تثبیت و جذب و هضم در هویت ایرانی خود جزیی از هویت ایرانی شد.

فرایند تجدد در ایران، از مقایسه مستمر شرایط ایران با غرب و «آگاهی» از اوضاع و شرایط ممالک اروپایی آغاز شد (جمشید بهنام، در جهانگلو، ۱۳۸۴: ۱۵) و این خود مایه طرح پرسش از عقب ماندگی و علل آن در ایران شد (آزاد، ۱۳۸۳: ۲۷) که به دنبال آن و برای حل مسئله عقب‌ماندگی تلاش‌های فکری و اندیشه‌ای روشنفکران از یک سو و اقدامات عملی و سیاست‌گذاری‌های اجرایی (در حوزه فرهنگی، علمی، صنعتی و ...) از طرف دولتمردان، از سوی دیگر انجام شد.

ایرانیان بنا به دلایل تاریخی و موقعیت ژئوپلتیکی خود (از عصر صفوی و پس از آن در جریان جنگ‌های ایران و روس و نیز در دوره تاریخی پس از مشروطیت) در تعامل و ارتباط با فرهنگ و تمدن غربی قرار گرفته‌اند و بر حسب این ارتباطات شاهد ورود مستمر عناصر تمدنی و فرهنگی غرب بوده‌اند؛ به نحوی که بخش زیادی از هویت ایرانیان امروزی متأثر از فرهنگ غربی و جهانی است. جهانی شدن، چه به عنوان یک نیروی خارجی که از جایی از جهان بر ما اثر می‌گذارد و چه به تعبیر گیدنز آن که وی آن را «جهانی شدن روزمره» نامیده که مردم طی زندگی روزمره‌شان آن را تولید می‌کنند و به عنوان عاملان این فرایند در جهانی شدن مشارکت می‌کند، (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۵)، در هر حال، در هویت و زندگی ما ایرانیان دخالت و حضور نفوذ داشته و دارد. اما مسأله اصلی تعیین سهم و میزان و جایگاه آن در کلیت هویت ایرانی است؛ با در نظر گرفتن این پیش فرض، هویت ایرانی مرکب از چهار بعد هویت ملی، مذهبی، قومی و مدرن است. (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۳۵) عناصر فرهنگ غرب در سطح عموم جامعه ایران انتشار یافته و به سبب تداوم تاریخی تعاملات ایران و غرب و به ویژه فرایندهای جهانی شدن در دهه اخیر، این عناصر رسوب کرده و ماندگار شده‌اند و موجب شکل‌گیری شکل خاصی از مدرنیته در ایران شده است که نام تجدد بومی یا مدرنیته بومی یا مدرنیته ایرانی بر آن

گذاشته شده است. مضمون اصلی این واقعیت امکان همنشینی و تعامل عناصر فرهنگ مدرن (با جداسازی آن از غرب و جوامع غربی) با عناصر سنتی و بومی جامعه ایران است. البته یک بعد دیگر این ذهنیت ایجاد نگرش مثبت به جوامع غربی و احساس تعلق به فرهنگ و جوامع غربی است. در اینجا غرب به عنوان یک جغرافیا و سرزمین که خاستگاه و جغرافیای مدرنیته است، مدنظر است. در نهایت علاوه بر گرایش به ارزش‌های مدرن غربی و جوامع غربی باید به عنصر هویتی «بین‌المللی‌گرایی» یا هویت جهانی شدن توجه کرد. به نظر می‌رسد این سه وجه (هرچند نامتقارن) در تعامل و بده بستان جدی با سایر عناصر و ابعاد هویت ایرانی هستند. در مجموع باید عوامل زیر را موجب تکوین و قوت‌یابی هویت مدرن در ایران مهم دانست:

فرایند تکوین هویت مدرن در ایران



سعی محققان در این تحقیق این است که به بررسی این سوال بپردازند که گرایش جامعه ایرانی به هویت مدرن به چه میزان است؟

چارچوب مفهومی

یکی از برداشت‌های رایج در زمینه مدرنیته در مکتب «نوسازی» مطرح شده است و این اصطلاح در عرف ادبیات علوم اجتماعی گذشته، به تقریب مترادف با تحول یا تکامل اجتماعی، مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این رویکرد مراحل مهم و اساسی در تکامل جوامع بشری، در یک چشم‌انداز کلان جامعه‌شناسانه مشخص می‌شد و شمایی از مدرنیسم را ارائه می‌داد. وقایع یا مراحل مهم تاریخی در این سلسله تکاملی، به ترتیب وحشیگری، بربریسیم و تمدن بود که در گذشته به دوران پیش صنعتی و صنعتی تقسیم شده بوده‌اند. این تغییرات، تأثیرات مهمی را در نظام قشربندی اجتماعی و تشکیل فرم جدید اجتماعی، ایجاد می‌کرد. بسیاری از تکامل‌گرایان، اجتناب‌ناپذیر بودن و عام بودن این سلسله تکاملی را تشریح کردند؛ نیل به هر مرحله از

موفقیت، ایمان به ادامه ثبات آن بود. به نظر می‌رسید که نوع بشر در حال حرکت به سوی اهداف تمدن هستند و دیر یا زود، بالاخره به آن دست خواهند یافت.

از ویژگی جذاب مفهوم نوسازی آن بود که توجه مشهودی به حساسیت‌های فرهنگی هر دو قشر نخبگان و توده‌های جهان سوم نشان می‌داد. اصطلاح نوسازی در مقایسه با اصطلاح "غربی شدن"، دارای بار ارزشی کمتری بود. زیرا بیشتر کشورهای جهان سوم به میراث فرهنگی خود که به شدت به آن وابسته بودند، می‌بالیدند. این کشورها در حالی که به استانداردهای زندگی غربی تمایل داشتند هیچ تمایلی به ترک شیوه زندگی و ارزش‌های خود نشان نمی‌دادند. به هر صورت این مقوله یا مفهوم جدید موجب احساس تهدید بر هویت فرهنگی مردم به ویژه در زمان تغییرات سریع نمی‌شد. چون برای نخبگان کشورهای در حال توسعه ایده غرب‌زدگی ثقیل و غیرقابل هضم است. این گروه از افراد مفهوم نوسازی را پذیرفتند چرا که وقار فرهنگی آنها را مورد تعرض قرار نمی‌داد. به هر حال، حرمت آکادمیک و علمی مفهوم نوسازی به آسان‌تر پذیرفته شدن آن، کمک کرد. در سال‌های اواسط دهه ۱۹۶۰ نظریه‌های نوسازی، ثمره کاوش علمی در شاخه‌های زیادی از علوم اجتماعی مانند تاریخ، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و اقتصاد بود. هر یک از این شاخه‌های علوم اجتماعی به تنهایی توانستند کمک زیادی به درک مقوله نوسازی کنند ولیکن مفهوم نوسازی به طور مجرد، چندان مورد تفحص و کاوش قرار نگرفت. به طوری که مفهوم نوسازی به صورت یک قالب علمی مشخص و جدا از سایر شاخه‌های علوم اجتماعی کماکان بدون تحریف باقی ماند (شیاماران چاران دوب: ۲۸).

علیرغم این ابهام، نوسازی عمدتاً به صورت یک نظام رفتاری مشترک که از نظر تاریخی با جوامع صنعتی، با سواد و متحد اروپای غربی و آمریکا شمالی مرتبط است، شناخته شده است و ویژگی آن جهان‌بینی علمی و عقلانی، رشد و کاربرد روز افزون علم و تکنولوژی و نیز انطباق مداوم نهادهای اجتماعی با نیازهای دنیای جدید و خلق و به روز رساندن روش‌های تکنولوژیکی دانسته شده است. بر اساس مجموعه، ادبیات موجود سه فرض اساسی برای درک مفهوم نوسازی وجود دارد:

- ۱- منابع مادی قدرت باید به طور فزاینده با هدف حل مشکلات بشری و تضمین حداقل استانداردهای قابل قبول زندگی، زیاد شود و این حد باید به طور مستمر افزایش یابد.
- ۲- نیل به این هدف، با همکاری افراد و تلاش جمعی همراه باشد. بعد جمعی مهم است، زیرا قابلیت پیوستگی و ورود به سازماندهی پیچیده را موجب می‌شود و این حداقل یک شرط لازم برای رسیدن به سطوح میانه یا بالاتر نوسازی است.
- ۳- پس از ایجاد و خلق سازماندهی پیچیده، بروز تغییرات اساسی در شخصیت‌ها، ساختار

اجتماعی و ارزش‌ها از موارد ضروری به شمار می‌روند. بنابراین، فرآیندهای پیچیده نوسازی متشکل از مجموعه‌ای از تغییرات به هم وابسته است که از نظر شخصیتی، مرکب از تحرک، مشارکت وسیع و پیشرفت عقلانی می‌شود.

یکی از ضروری‌ترین ویژگی‌های نوسازی بر اساس این پارادایم «عقلانیت»^۱ است. یعنی اصطلاحی که دائماً در ارتباط با این موضوع مطرح می‌شود، ولی هیچ‌جا تعریف قابل قبولی از آن ارائه نشده است. عقلانیت فرآیندهای تفکر را در سطح فردی تغییر می‌دهد و این فرایند به کل چارچوب نهادی جامعه سرایت پیدا می‌کند. بر اثر عقلانیت، وقوع حوادث و موقعیت‌ها علت‌یابی می‌شود و ماهیت و کیفیت آنها از طریق محاسبات دقیق تعیین می‌شود. جهان‌بینی سنتی پدیده‌های این جهان را با استفاده از یک اصطلاح آن جهانی دیگر، درک می‌کند و توضیح می‌دهد. نوسازی یک جهان‌بینی علمی را جایگزین می‌سازد. متعاقب آن سرنوشت اسطوره‌ای و ماوراء طبیعی نادیده گرفته می‌شوند. این تغییر شکل تنها به فرآیندهای تفکر فردی محدود نمی‌شوند، بلکه همچنین در وظیفه نهادهایی که اهداف جامعه را تعیین می‌کنند و ابزارهایی را برای تحقق آنها به کار می‌گیرند، منعکس می‌شود. عقلانیت، تمامی اشکال کنش متقابل را تعیین می‌کند و وارد دیدگاه مردم درباره آینده نو می‌شود.

در نتیجه تلاش‌های جدی و منسجمی که بر درک مسئله نوسازی متمرکز شد، فهرستی از ویژگی‌های مؤثر آن فراهم شده است. این فهرست عمدتاً شامل افراد، نگرش‌ها و ارزش‌های آنها می‌شود. همچنین چارچوب ارزشی جامعه و عناصر آن را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد. همین‌طور، آینده‌نویسی را برای جامعه متصور است و کارکردهای تازه‌ای را برای نهادهای قدیمی در نظر دارد و نهادهای جدیدی را برای ارائه اهداف تجدید نظر شده جامعه از طریق ابزارهای نهادی تازه، ایجاد می‌کند. بر اساس این چارچوب فکری از نظر لرنر سه ویژگی همدلی، تحرک و مشارکت وسیع، هسته شخصیت یا هویت نو را تشکیل می‌دهد. لرنر فرایند نوسازی و رابطه آن با متغیرهای فرهنگی را در شش کشور خاورمیانه طی تحقیق پیمایشی بررسی کرده است. (لرنر، ۱۳۸۳)

از دیگر نظریه‌های مهم در خصوص نوسازی و هویت مدرن، نظریه آلکس اینکلس است. به نظر او انسان مدرن که در اثر توسعه سیاسی، دسترسی به آموزش و هنر، توسعه وسایل ارتباط جمعی و افزایش اوقات فراغت شکل می‌گیرد، دارای ۲ جنبه برجسته است. یکی داخلی و دیگر خارجی. یکی به محیط وی مربوط می‌شود و دیگری به وجه نظرها، ارزش‌ها و احساسات او.

(مایرون وینر، ۲۰۴:۱۳۵۸) منظور از شرایط خارجی اصلاحات اساسی مثل شهری شدن، تعلیم و تربیت، ارتباط توده‌ای، صنعتی شدن و سیاسی شدن است و مفهوم اصلی آن یعنی اینکه انسان نو بر خلاف اسلاف خود که در جامعه‌ای با نظام زیستی می‌زیستند، کمتر به عنوان زارع روی زمین کار می‌کند و بیشتر در یک سازمان تولیدی پیچیده که در آن نیروی فشرده و تکنولوژی پیشرفته است کار می‌کند. او از وسایل ارتباط جمعی مثل رادیو و تلویزیون بهره‌مند است. در شهر زندگی می‌کند و خود وی یا حداقل بچه‌هایش به مدرسه می‌روند و در امور سیاسی دخالت دارد و نیز در قید شبکه روابط خویشاوندی نیست.

اگر چه قرار گرفتن انسان سنتی در معرض زندگی نوین به طور قطع منجر به پاره‌ای تغییرات در وی می‌شود ولی تنها وقتی می‌توانیم انسانی را نو (مدرن) بدانیم که طرز فکر او عوض شده باشد و او در طرز تفکر-احساس، کردار خود راه و رسم‌های تازه‌ای در پیش گرفته باشد. این تغییرات در یک جبهه وسیع و با تغییرات بسیاری که همزمان صورت می‌گیرند همراه است. از نظر اینکلس این مجموعه درهم پیچیده وجه نظرها و ارزش‌ها به قرار ذیل قابل ارائه است.

۱- اولین عنصر در تعریف انسان نو آمادگی او برای کسب تجربیات تازه و استعداد او برای ابداع و تغییر است.

۲- انسانی را نو می‌شناسیم که نه تنها درباره موضوعات و مسائل موجود در محیط بلافصل خود بلکه درباره مسائل و موضوعات خارج از محیط نیز عقایدی داشته باشد. دانیل لرنر چنین یافته است که افراد و مردم در کشورهای مختلف خاورمیانه دارای اختلاف نظرهای فاحشی هستند. هر چه افراد با فرهنگ‌تر و کشور پیشرفته‌تر باشد آمادگی افراد برای اظهار نظر و شرکت در بحث بیشتر است. او معتقد است که انسان سنتی تر نسبت به چیزهای معدودی اظهار علاقه می‌کند و بیشتر به چیزهایی که با او ارتباط مستقیم و نزدیک دارند علاقه نشان می‌دهد و حتی وقتی نسبت به امری از محیط خود عقیده‌ای دارد در اظهار نظر محتاط‌تر است. انسان مدرن، در مقابل جهت‌گیری و عقاید دیگر آزاد اندیش است و ترس از عقاید جدید ندارد.

۳- ذهن انسان مدرن آینده‌گرا، دقیق، مرتب و منظم است.

۴- برنامه‌ریزی: انسان مدرن متمایل به برنامه‌ریزی و سازمان دادن امور است و آن را به عنوان راه و رسم و اداره زندگی اعتقاد دارد.

۵- کارآمدی: انسان مدرن می‌تواند برای رسیدن به مقاصد و اهداف خود بر محیط مسلط شود.

۶- قابل محاسبه بودن: انسان مدرن معتقد به قابل محاسبه بودن جهان خود دارد و اینکه

می‌توان به مردم و موسساتی که در حول و حوش او قرار دارند اعتماد داشت. وی تقدیر را رد می‌کند و اعتقاد به جهانی دارد که برآن قانون حکم فرماست و در کنترل انسان است.

۷- انسان مدرن به حیثیت دیگران آگاه است و به آنها (به ویژه زنان و کودکان) احترام می‌گذارد.

۸- علم و تکنولوژی توانایی زیادی در حل مشکلات بشر پیدا می‌کنند.

۹- اعتقاد به عدالت همگانی دارد. به اعتقاد او اجر و پاداش را باید بر اساس کمکی که هر کس می‌کند داد و نه بر اساس هوی و هوس و خصوصیات بی‌ارتباط (آلکس اینکلس در مایرون وینر: ۲۱۲)

در همین زمینه می‌توان به نظریه «نیاز به موفقیت» دیوید مک لند اشاره کرد. به نظر او نیاز به موفقیت بالا و رشد اقتصادی سریع از نیازهای زندگی اجتماعی مدرن است. این نظریه در سال ۱۹۶۳ موجب شکل‌گیری تحقیقات تجربی و تحت عنوان "منش ملی و رشد اقتصادی در ایران و ترکیه" شده است.

آلن اشناپیرگ^۱ (۱۹۷۰) طی مقاله‌ای به جمع‌بندی تحقیقات تجربی و نیز رویکردهای نظری در خصوص مدرنیسم پرداخته است. وی درباره مقطع زمانی بررسی خود تاکید کرده که کلیت روند مدرنیزاسیون در مطالعات اجتماعی مسئله حل‌نشده است. او تاکید کرده است که این گونه مطالعات به ویژه بعد از جنگ جهانی و در کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است. ویژگی مشترک همه آنها فقدان وضوح و شفافیت مفهومی درباره مدرنیسم است. وی برای تشخیص اینکه چه مسائلی تحت عنوان مفهوم مدرنیزاسیون قرار می‌گیرد به کارهای بندیکس (۱۹۶۷)، کاهل (۱۹۶۸) و گالسفیلد (۱۹۶۷) اشاره کرده است. وی مدرنیسم را یک دسته ویژگی‌های فردی تعریف کرده و آن را مفهوم چند بعدی یا چند وجهی می‌داند که وجه مشترک آن رهاسازی^۲ از سنت است. در واقع از نظر او مقیاس‌های مدرنیسم یک فضای رفتاری متمایز از فضای سنتی تعریف شده‌اند. وی سطوح تحلیل مدرنیسم را بین‌المللی، اجتماعی، جامعه‌ای و فردی دانسته است. برای مثال اگر قصد سنجش مدرنیته در سطح جامعه‌ای را داشته باشیم، می‌توان به ساختارها، روندها و تنش‌های بین وضعیت گزل شافت و گماین شافت پرداخت و در سطح اجتماعی می‌توان به تغییرات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی در جوامع در حال توسعه تاکید کرد. همچنین برای سنجش مدرنیته می‌توان به بررسی سبک زندگی و

1. Allan Schnaiber

2. Emancipation

نگرش‌ها و ویژگی‌های ساختاری یا سازمان و نقش خانوادگی توجه نمود. او که مطالعه خود را در میان زنان متاهل شهر آنکارا و چهار روستای اطراف (در ترکیه) انجام داده است، مدل نهایی خود را به نحو ذیل ارائه کرده است،

شهرنشینی ← شرایط اقتصادی و اجتماعی ← مدرنیسم

وی بر این اساس به مطالعه مدرنیسم در سطح فردی پرداخته و ۶ شاخص اصلی ذیل را به عنوان شاخص‌های مدرنیسم در نظر گرفته است:

شاخص رسانه‌های جمعی (گرایش به دیدن رادیو، تلویزیون، خواندن روزنامه، مجله و کتاب) شاخص ارتباطات خانواده‌ای گسترده (زندگی با والدین، روابط دوستانه آزاد، نداشتن دوست نزدیک، ازدواج عشقی، عدم نسبت قبلی با همسر، اعتقاد به عدم وابستگی مالی بچه‌ها به والدین، عدم انتظار حمایت از والدین در دوران پیری).

شاخص ساختار و نقش خانواده هسته‌ای (تفاوت ذاتی کارهای مردانه با زنانه، مشورت با زنان، مالکیت مرد بر چیزهایی که به دست می‌آورد، آزادی همسران (زنان) در پوشیدن دامن، کار، خرید، حرف زدن با غریبه‌ها، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، خرج کردن درآمدهایشان، فعالیت فراغتی خارج از منزل و ...)

شاخص‌های دین‌گرایی (ازدواج و زن رسمی، عبادت در پنج وعده و ...)

شاخص جهت‌گیری محیطی (دختران نیز به آموزش‌های پسران نیازمند هستند، موفقیت به کار سخت و نه شانس یا بخت نیازمند است، تمایل به مشاغل تخصصی و موافقت با اینکه ژاپن و غرب و آمریکا باید الگوی ترکیه باشند).

شاخص‌های تولید و مصرف (داشتن رادیو، ماشین لباسشویی، تولید و تهیه لباس از بیرون منزل، تهیه رب گوجه فرنگی در منزل، تهیه صابون از خارج منزل، تهیه غذا و سیب‌زمینی و ... در منزل یا خارج از منزل). در نهایت اشنایبرگ تاکید کرده است که مقیاس‌های مدرنیسم در هر جامعه متفاوت است (Schnaiberg, 1970, P:399-425).

جان بی استفنسون^۱ در مقاله‌ای به بحث انتقادی درباره اندازه‌گیری مدرنیسم پرداخته است. وی تاکید کرده است که مدرنیزاسیون می‌تواند به عنوان تجربه فرهنگی و فردی در یک تغییر اجتماعی محسوب شود. وی نیز تصریح کرده است که مدرنیسم حرکت از فرهنگ و ذهنیت سنتی به مدرن است. بنابراین مقیاس آن نیز دو وجهی هستند (سنتی - مدرن). او مظاهر مدرنیسم یا دنیای جدید را دموکراسی، توسعه، صنعتی شدن و شهرنشینی، سکولاریسم، آموزش عالی، ماشینی شدن، تحرک اجتماعی، رشد اقتصادی، انتقال جمعیت زیاد به مرکز

کشور از یک سو و انتقال و شکل‌گیری فرهنگ، هنجارها و ویژگی‌های شخصیتی جدید (یا بُعد فرهنگی مدرنیزاسیون) دانسته است. البته وی بین مدرنیزاسیون با مدرنیته^۱ تفاوت قائل است. به نظر او مدرن شدن یک حرکت از حالت سنتی به مدرن است که در سطح اجتماعی و کلان رخ می‌دهد. اما مدرنیزاسیون اخذ ابعاد فرهنگی، سنت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی خاص است (این تعریف برخلاف تعاریف و تعابیر رایج در ادبیات فعلی علوم اجتماعی ایران است). به هر حال مدرنیزاسیون از نظر استفنسون درجه فاصله گرفتن افراد از گروه‌های سنتی است. از نظر او شاخص‌های مدرن در سطح ملی، ماشینی شدن، نرخ بالای تحرک اجتماعی، صنعتی شدن و سطح بالای آموزش است اما مدرن شدن در سطح فردی به مجموعه نگرش‌ها و ارزش‌ها و روش‌های احساس و عمل اجتماعی مربوط می‌شود. (Stephenson, 1994, P:265-275).

بر این اساس وی مطالعه‌ای را در کشور شیلی انجام داده است و عمدتاً بر ویژگی‌های روان شناختی مدرنیته مثل ضرورت ارتقاء شرایط زندگی، اتکا به نظرات فردی، بهتر دانستن مدارس جدید، تلاش برای ساختن آینده، برنامه‌ریزی برای زندگی شخصی و ... تمرکز کرده است.

میشل آرمر^۲ و آلن اشنایبرگ^۳ به بررسی و اندازه‌گیری مدرنیته فردی پرداخته‌اند و ۴ مقیاس که توسط اسمیت و اینکلز، کاهل، اشنایبرگ و آرمر تهیه شده‌اند، را بررسی کرده‌اند. از نظر نویسندگان، این ۴ شاخص که همگی به اندازه‌گیری مجموعه‌ای عام از نگرش‌ها و رفتارها که برای «زندگی مدرن» پرداخته‌اند لازم و ضروری هستند، را مورد سنجش قرار داده‌اند. مقیاس‌های مدرنیته تمایل دارند تا آنومی، از خودبیگانگی و موقعیت اقتصادی اجتماعی را پیش‌بینی کنند. آنها تصریح کرده‌اند که تمرکز عمده تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی به هویت و اندازه‌گیری مدرنیته فردی است. مدرنیته فردی یک مجموعه ارزش‌ها و عقاید فردی است که از نظر تئوریک بهترین تناسب را برای زندگی افراد در جامعه مدرن داراست (تعریف اینکلز). همچنین این مفهوم از نظر لامبرت به معنی شکل‌گیری دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک در میان کسانی که محیط فرهنگی و اجتماعی‌شان را مدرن دانسته و آن را از دیگر جوامع (سنتی) متفاوت می‌پندارند، است. آرمر و اشنایبرگ ضمن تاکید بر این که برداشت‌های رایج از مدرنیسم از یک مدل خطی در توسعه پیروی می‌کنند، معتقدند این برداشت از مدرنیزاسیون اجتماعی کاملاً قابل نقد است و این انتقاد از سوی بندیکس (۱۹۶۷)، بلومر (۱۹۶۴) و سفیلد (۱۹۶۷)، ایلچ (۱۹۶۹) مطرح شده است. با این وجود، بسیاری از

-
1. Modernity
 2. Michael Armer
 3. Allan schcanaiberg

جامعه‌شناسان از تغییرات اجتماعی و روندهایی که در نتیجه صنعتی شدن به وجود آمده و به صورت تجربی فضاهای خاص فرهنگی، سازمان‌های اجتماعی ویژه و رفتار فردی به خصوص را موجب می‌شود، به عنوان مدرنیته و به عبارت صحیح‌تر مدرنیسم یاد کرده‌اند (به نقل از Moore, 1965). در نتیجه بین رویکردهای فردی این جوامع (دستخوش تغییر) مشابهت‌های فرهنگی به وجود می‌آید چون دارای تجارب مشترک هستند. نویسندگان تاکید کرده‌اند که تحقیقات تجربی، رابطه قوی میان آموزش‌های رسمی، تجربه صنعتی و شهری شدن با مدرنیزاسیون را ثابت کرده‌اند.

اما جهت‌گیری‌های فردی که می‌توانند مدرنیته را در تمامی فرهنگ‌ها تعریف کنند کدامند؟ برای پاسخ دادن به این سوال در سطح تئوریک مقالاتی توسط پشکین و کوهن (۱۹۶۷)، اوکونل^۱ (۱۹۶۵) و اینکلس (۱۹۶۶) انجام شده و محورهای متعددی را اندازه‌گیری کرده‌اند. محتوای این شاخص‌ها بر استقلال از خانواده، احساس کارآمدی فردی، جهت‌گیری تجربی به علیت (در مقابل تصادف) و پذیرش تغییرات بوده است. مرور سریع ادبیات نظری و تجربی فوق حاکی از آن است که کنشگران در فرایند مدرنیته عناصر جدیدی را به شخصیت و هویت خود می‌افزایند.

تحقیقات پیشین

در میان تحقیقات انجام شده در حوزه علوم اجتماعی درباره هویت اجتماعی می‌توان به تحقیق پیمایشی قلی‌پور تحت عنوان «جهانی شدن هویت قومی» اشاره کرد. وی در این تحقیق شاخص‌های جهانی شدن فرهنگی را در ذیل ۲ بحث تحرک فیزیکی افراد (مسافرت، توریسم و مهاجرت) و رسانه (میزان دسترسی و مصرف مواد رسانه‌ای مثل رادیو، ماهواره، اینترنت، تلویزیون، لوح فشرده و تلفن) در نظر گرفته که در واقع موجب شکسته شدن فضا-مکان و زمان - فضا از جاکندگی یا منطقه‌زدایی می‌شوند. همچنین سعیدرضاعاملی در بررسی تاثیر جهانی شدن بر هویت مسلمانان بریتانیایی در سال ۲۰۰۲، ۸ نوع هویت جدید را برای جامعه نمونه تشخیص داده است و نتیجه گرفته است که فرایند جهانی شدن تاثیرات متفاوتی را بر مسلمانان انگلیسی گذاشته است

از مجموع پژوهش‌های پیمایشی در خصوص نگرش جامعه ایرانی به غرب به عنوان نمونه می‌توان به طرح تحقیقاتی "سنجش گرایش به بیگانه در ایران" اشاره کرد که در سال ۱۳۸۳ انجام شده است. متغیر اصلی این مطالعه، گرایش به کشورهای خارجی بوده است که به معنی

میزان احساسات مثبتی که پاسخگویان به کشورهای خارجی ابراز می‌کند در نظر گرفته شده است (ایسپا، ۱۳۸۳، ص ۱۱).

از نظر گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیته می‌توان به تحقیق محسن کوشافر در سال ۱۳۸۴ اشاره کرد که در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران انجام شده است که جمع‌بندی آن به قرار ذیل است:

ارزشهای مدرن	فردگرایی	برابرتلبی	پیشرفت گرایی	استدلال گرایی	انسان گرایی	افسون گرایی
میزان گرایش	۸۰٫۹۸	۷۷٫۸۷	۷۱٫۶۷	۶۰٫۵۸	۴۵٫۹۱	۴۴٫۴۷

منبع: کوشافر، ۱۳۸۴، ص ۱۷۸

در پژوهش دیگری که اخیراً توسط ایسپا انجام شده است میانگین شاخص مدار (گرایش به آزادی بیان، آزادی مذهبی، آزادی سیاسی، آزادی‌های دینی) ۵۱٫۲۹ بوده است (ایسپا، فرهنگ سیاسی ایرانیان، ۱۳۸۴، ص ۲۸۲). از جمله شاخص‌های مهم در بعد اجتماعی مدرنیته موضوع مسائل و حقوق زنان است که آمارها در این زمینه حکایت از گرایش نسبتاً مثبت ایرانیان (در حد متوسط کمی رو به بالا) دارد. از جمله می‌توان گفت ۶۱ درصد مردم با حق طلاق توسط خانم‌ها موافق‌اند و ۵۸٫۶ درصد با مشارکت زنان در تامین مخارج خانواده موافق‌اند. همچنین ۵۵٫۴ درصد جامعه با پلیس شدن زنان، ۵۳٫۶ درصد با وزیر شدن، ۵۴٫۷ درصد با شهردار شدن و ۶۸٫۴ درصد با مدیریت کارخانه توسط زنان موافق هستند. (پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها موج دوم، صص ۶۴-۶۵).

همچنین از لحاظ فرهنگی نگرش مردم ایران به آزادی‌های فردی در خارج از کشور به عنوان یکی از ابعاد مدرنیته به قرار ذیل است:

کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
۸٫۵	۲۷٫۱	۲۹٫۱	۱۹٫۸	۱۳

منبع: تاجیک، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰

در مجموع نیز نظرات جامعه ایرانی (مشخصاً جوانان) درباره ارزش‌های غربی به قرار ذیل است:

نظر پاسخگویان	درصد
خیلی موافق	۱۹٫۹
موافق	۲۲٫۴
متوسط	۳۴٫۹
مخالف	۱۴٫۹
خیلی مخالف	۷٫۹
جمع	۱۰۰

منبع: واحد سنجش افکار عمومی مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما، ج ۱، ۴۸۸، بی تا، ص ۵۱

همچنین در خصوص تحقیقات انجام شده برای سنجش گرایشات بین‌المللی می‌توان به کار میلر اشاره کرد. دلبرت میلر برای سنجش میزان گرایش به الگوها و هنجارهای بین‌المللی در

۱۹۷۰ حدود ۲۰ مقیاس را طراحی و تدوین کرده است و آنها را در آرژانتین، اسپانیا، انگلستان و ایالات متحده طی سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۹ آزمون کرده است (میلر، ۱۳۸۰: ۵۵۰-۵۴۳). میلر همچنین از مقیاس‌های جهان وطنی لیکرت (۱۹۳۲)، مقیاس جهان وطنی - میهن‌پرستی (IN) لوینسون (۱۹۵۷)، مقیاس نگرش به جهان وطنی تروتسون (۳۴-۱۹۲۹)، مقیاس جهان وطنی کریستین سن (۱۹۵۹)، مقیاس جهان وطنی سمیسون و اسمیت (۱۹۵۹)، مقیاس نظرات و اعتقادات درباره روابط بین‌المللی هلفانت (۱۹۵۲) (همان: ۶۴۶) و مقیاس ملی تجدد و خانواده اینکلس و میلر (۱۹۷۴)، مقیاس متجدد شدن اینکلس و اسمیت (۱۹۷۴) یاد کرده است (همان: ۶۴۸).

در نظر اهل اندیشه ایرانی، اجماع بر آن است که مدرنیزاسیون در ایران از دوران مشروطه و اندکی قبل از آن مثلاً زمان ناصرالدین شاه قاجار آغاز شده و در مشروطه با ظهور اندیشمندانی چون ملکم، آخوندزاده، طالبوف، مراغه‌ای و بعدها افرادی نظیر تقی‌زاده، حیدر عموآوغلی در آن مشارکت جسته و با کشته شدن تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران انقلابی و اصلاح طلب به پایان رسید. شادمان، این فرایند را تحلیل کرده و از افراط‌گری‌های تجددطلبانی چون تقی‌زاده که به نفی یکسره سنت و اخذ تمام مدرنیته می‌پرداخت، انتقاد کرده و مدرنیته در ایران را همراه با سنت جستجو کرده است. (شادمان، ۱۳۸۲) به این رویکرد باید نگاه آشوری را هم اضافه کرد که قدری تندتر بر آنانکه با شور و حرارت مضاعف بر غرب و مدرنیته می‌تازند حمله کرده است، گرچه جانب سنت را هم رعایت کرده است. (آشوری، ۱۳۷۶)

چارچوب سنجش هویت مدرن

نگاه غالب اندیشمندان این است که هویت مدرن کلیه برداشت‌ها، تصورات و خودشناسایی‌هایی است که شهروندان ایرانی از خود ارائه می‌کنند و دارای منشأ سنتی (مربوط به گذشته) نیست، بلکه تحت تاثیر تغییرات و مراودات فرهنگی و اجتماعی با دنیای مدرن (غرب) شکل می‌گیرد. برخلاف انواع هویت‌های سه‌گانه (هویت‌های ملی، قومی و دینی) هویت مدرن را نمی‌توان کاملاً به سرزمین و محل یا جغرافیایی مشخص منسوب کرد. هر چند یکی از ابعاد هویت مدرن را می‌توان خودشناسی فرد یا خود - مقوله‌بندی با فرهنگ و اجتماع غربی تعریف نمود. هویت مدرن دارای ۳ بعد هویت جهانی یا (هویت بین‌المللی گرایانه) هویت مدرن و هویت غربی (یا گرایش به غرب) یا مدرنیسم است. هویت مدرن به معنی گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیته (یا تجدد) است. در واقع این بعد به معنی مدرنیته فردی^۱ است و حاکی از

پذیرش ارزش‌های اساسی سازنده مدرنیته در بعد معرفت‌شناختی است و شامل استدلال‌گرایی، افسون‌زدایی، انسان‌گرایی، فردگرایی، برابری‌طلبی و ترقی‌گرایی است. همچنین نگرش و گرایش مثبت (ذهنیت و تمایلات رفتاری مثبت) به ابعاد اجتماعی تجدد نیز شاخص مدرنیسم در حوزه روابط اجتماعی است. هویت مدرن در وجه اخیر گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیته در بُعد اجتماعی است که ناظر بر مسائل خانوادگی، شغلی، حقوق زن، حقوق بشر و مقولاتی مثل کسب ثروت می‌باشد. وجه یا بُعد دیگری از هویت غربی (یا مدرنیسم) به معنی ارزیابی مثبت از وضعیت فرهنگی سیاسی و اجتماعی کشورهای غربی است. در واقع غرب و جوامع غربی، جغرافیا و محل و فضایی است که تجربه مدرنیته را طی کرده‌اند و این تجربه به ایران منتقل شده است و به این دلیل می‌تواند به عنوان مرجع یا مبنایی برای تعریف هویت انسان ایرانی به شمار می‌آید. در اینجا پذیرش و اولویت‌دهی به اخلاقیات، فرهنگ، هنر، ارزش‌ها، سیاست‌ها و روابط اجتماعی کشورهای غربی به معنای برخورداری از هویت غربی تعریف شده است. از نظر تجربی هویت غربی به معنی گرایش مثبت به کشورهای غربی در نظر گرفته می‌شود.

بعد هویت جهانی (و بین‌المللی) به معنی پذیرش وجود جامعه و فرهنگ جهانی و احساس تعلق به فرهنگ و ارزش‌های جهانی و نیز پذیرش تسلط نهادها و احساس اشتراک در مسائل و مشکلات جهانی است. از آنجا که بنا به محدودیت‌های روش شناختی امکان تفکیک دقیق این بعد وجود ندارد. لذا هویت بین‌المللی گرایانه و هویت منطقه‌ای نیز در این چارچوب قابل بحث است.

برای تدقیق بیشتر در باب هویت جهانی باید گفت این مفهوم بدان معنی است که برخی ویژگی‌های هویتی شهروندان جامعه ایرانی متأثر از جهانی شدن است. هویت جهانی در گام نخست و ابتدایی به معنی آگاهی جهانی و اطلاع‌یابی از برخی وجوه مشترک و زیربنایی تمامی اینا بشر (مثل دموکراسی، حقوق بشر، محیط زیست) و در کل آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل است. در سطح عالی‌تر و قوی‌تر، هویت جهانی به معنی هویت جمعی واحد در سطح جهان و احساس پیوند، همبستگی، تعلق و تعصب به مسائل جهانی است. در واقع هویت جهانی دارای ۲ سطح "آگاهی جهانی" و "هویت جهانی" است.

تعریف عملیاتی هویت مدرن

تعریف عملیاتی هویت مدرن به معنای گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرن در بعد معرفت‌شناختی، گرایش به ارزش‌های مدرن در بُعد اجتماعی، گرایش به اجتماعات (جوامع و

کشورهای غربی و نیز جهانی شدن (و خود را جهانی تصور کردن) است.

ابعاد هویت مدرن

۱- گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیته (در بعد معرفتی)

۱-۱. استدلال‌گرایی، استقراء‌گرایی، عقل‌گرایی

توجه به عقلانیت جدید، یعنی اینکه هر چه از دسترس عقل دورتر است واقعیت کمتری دارد. هر چیزی را که عقل بتواند اثبات کند یا درباره‌اش استدلال کند باید پذیرفت. اعتقاد به ذهن اندیشمند و مستقل، اعتقاد به خرد ناب، حسابگری و سودگرایی. باور به تجربه‌گرایی، اینکه هر چیزی را باید بتوان آزمون کرد و در معرض نقد قرار داد. پذیرش و اعتقاد جدی به علم‌گرایی، تاکید بر علوم تجربی، کارآمدی تکنولوژی، صنعت و علم جدید، توجه به علم به عنوان هدف و روش، نگرش مثبت نسبت به عقل ابزاری (علم). همچنین صفت نقادی و توانایی نامحدود عقل نقاد از ویژگی‌های بنیادی مدرنیته است.

۱-۲. انسان‌گرایی، انسان‌مداری، خودمحوری، فردگرایی و نفی قیومیت

ایمان و اعتقاد به انسان، علم و قدرت او. باور داشتن به اینکه انسان دارای علم و قدرت فراوان است و اگر او نتواند کاری کند از هیچکس دیگر هم نمی‌تواند انتظار کاری داشت. اعتقاد به اینکه انسان بر سرنوشت خویش حاکم است و اسیر، تحت قیومیت و نیازمند موجود دیگری (خداوند، شیطان و ...) نیست. فردگرایی به معنی تحصیل حقوق فرد مهم است و همه نظام‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی فقط برای تحصیل حقوق فرد مهم‌اند و هویت‌های قبیله‌ای، ملی و ... باید در خدمت فرد باشد.

۱-۳. پیشرفت‌گرایی، ترقی‌گرایی و نفی تقدیرگرایی

انسان همیشه رو به آینده حرکت می‌کند و در قیاس با گذشته وضعیت مطلوب‌تری دارد، اعتقاد به اینکه وضعیت جهان رو به کمال است.

۱-۴. برابری طلبی و آزادی خواهی

برابری طلبی در معرفت (و نه صرفاً از حیث حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی). نمی‌توان از پیر و مرشد و قدیس پیروی کرد.

۱-۵. مادیگرایی

بی‌توجهی به ساحت‌های روح و نفس و تاکید بر ساحت جسم و بدن

۱-۶. احساسات‌گرایی

تاکید و اهمیت‌دهی به کاهش درد و رنج و ایجاد لذت، باور به اینکه سعادت در لذت انسان است و نیز باور به اهمیت ساحت احساسات و عواطف.

۲- گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیته (در بعد اجتماعی و سیاسی)

۲-۱. باور به برابری زن و مرد (برابری جنسیتی)

۲-۲. اعتقاد به برابری مذهبی و دینی

۲-۳. اعتقاد به طبیعی بودن تغییرات فرهنگی و اجتماعی

۲-۴. باور به دموکراسی، آزادی، مشارکت سیاسی و حقوق بشر

۳- ارزیابی وضعیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشورهای غربی (تمایل و گرایش به مدرنیسم)

۳-۱. نگرش نسبت به اخلاقیات جوامع غربی

۳-۲. میزان پذیرش فرهنگ، هنر، ارزش‌ها و آداب و رسوم جامعه غربی

۳-۳. نگرش نسبت به رویه‌ها و اقدامات سیاسی غرب

۳-۴. نگرش نسبت به حکومت‌های غربی

۴- هویت جهانی (بین‌المللی‌گرایی یا جهان‌وطنی)

۴-۱. اعتقاد به «زیست بوم» کره زمین، جهانی فکر کردن، همزیستی و تعامل با سایر ملل.

۴-۲. پذیرش اقتدار و مقررات نهادهای بین‌المللی، تاکید بر توافقات جهانی

۴-۳. اعتقاد به وجود مشکلات و مسائل مشترک جهانی

طراحی ابزار سنجش

برای طراحی پرسشنامه علاوه بر مرور ادبیات موجود به زبان فارسی که دایره بسیار وسیعی را شامل می‌شود، ۲۵ مصاحبه اکتشافی با افرادی که از گروه‌های سنی، جنسی و قومی متفاوت بودند، صورت گرفت. پس از آن با رجوع به تحقیقات صورت گرفته توسط پژوهشگران خارجی، مقیاس‌ها، ابزارهای اندازه‌گیری، شاخص‌ها و نتایج آماری آنها بررسی شد. پرسشنامه اولیه‌ای با ۱۵۰ سوال طراحی شد. پرسشنامه طراحی شده پنج بار از سوی صاحب‌نظران مورد داوری قرار گرفت. این پرسشنامه سه بار در معرض آزمون‌های آماری قرار گرفت و نتایج تحلیل در ساخت

شاخص‌ها و گویه‌ها اعمال شد. در نهایت پرسشنامه‌ای جهت سنجش هویت مدرن با ۷۳ سوال طراحی شد.

اعتبار و روایی پرسشنامه هویت مدرن

شاخص‌ها و گویه‌های پرسشنامه پس از ارزیابی داوران، در سه مرحله و به صورت ملی با حجم نمونه ۱۴۰ نفر، ۲۶۵ نفر و ۱۸۵ نفر در سطح چندین شهر آزمون شدند. همانگونه که قبلاً گفته شد تعریف عملیاتی هویت مدرن به معنای گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرن در بعد معرفت‌شناختی، ارزش‌های مدرن در بعد اجتماعی، گرایش به اجتماعات (جوامع و کشورهای) غربی و نیز جهانی شدن (و خود را جهانی تصور کردن) بوده است. سوالات نهایی هر بعد از هویت مدرن در هنگام آزمون آخر به قرار ذیل بوده است:

الف) گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرن‌نیت در بعد معرفتی

ردیف	موضوع	کاملاً موافقم	موافقم	نه موافق، نه مخالف	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	به نظر من همه عقاید و باورهای موجود در جامعه قابل نقد است.	۱	۲	۳	۴	۵
۲	برای اداره جامعه با وجود عقل‌نیاژی به دین نیست.	۱	۲	۳	۴	۵
۳	هر کسی آزاد است هر اندیشه یا باوری داشته باشد حتی اگر خلاف باورهای دینی، اخلاقی و علمی دیگران باشد.	۱	۲	۳	۴	۵
۴	هر کس باید شیوه زندگی‌اش را انتخاب کند حتی اگر دیگران شیوه زندگی او را نپسندند.	۱	۲	۳	۴	۵
۵	برای موفقیت در کارها شانس مهمتر از خواست و اراده فرد است.	۱	۲	۳	۴	۵
۶	باید سعی کنیم شرایط زندگی‌مان را مثل افراد موفق و کشورهای پیشرفته تغییر دهیم.	۱	۲	۳	۴	۵
۷	خدا خواسته بعضی ملت‌ها بدبخت و عقب افتاده باشند.	۱	۲	۳	۴	۵
۸	تنها عقل می‌تواند به ما بگوید که در جامعه چه قوانینی باید وضع کرد تا سعادتمند شویم.	۱	۲	۳	۴	۵

ب) گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرن‌نیت در بعد اجتماعی

ردیف	موضوع	کاملاً موافقم	موافقم	نه موافق، نه مخالف	مخالفم	کاملاً مخالفم
۹	دختران باید این حق را داشته باشند که بدون اجازه پدر هم ازدواج کنند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۰	زنان نباید قاضی شوند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۱	هر کس باید بتواند به طور آزادانه کشور محل زندگی خود را انتخاب کند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۲	آموزش عالی برای پسران لازم‌تر است تا دختران.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۳	زنان باید وظایف مادری‌شان را بر هر چیز دیگری اولویت دهند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۴	حقوق بشری که غربی‌ها می‌گویند چیز خوبی است.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۵	طلاق هرگز قابل توجیه نیست.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۶	شیوه پوشش (لباس پوشیدن و حجاب) هر کسی مربوط به خودش است.	۱	۲	۳	۴	۵

ج) مدرنیسم یا نگرش به غرب (مسائل اجتماعی فرهنگی سیاسی کشورهای غربی)

ردیف	موضوع	خیلی زیاد	زیاد	نه کم، نه زیاد	کم	خیلی کم
۱۷	به نظر شما خشونت چقدر در کشورهای غربی (آمریکایی و اروپایی) رواج دارد؟	۱	۲	۳	۴	۵
۱۸	فکر می‌کنید دروغ و تزویر (بین مردم) در کشورهای غربی (آمریکایی و اروپایی) چقدر است؟	۱	۲	۳	۴	۵
۱۹	در مجموع در کشورهای غربی چقدر عدل، انصاف و رعایت حقوق همدیگر رعایت می‌شود؟	۱	۲	۳	۴	۵
۲۰	چقدر در کشورهای غربی (آمریکایی و اروپایی) به علم و دانش توجه می‌شود؟	۱	۲	۳	۴	۵
۲۱	فکر می‌کنید موسیقی، فیلم‌های سینمایی و کلا فرهنگ و هنر غربی (آمریکایی و اروپایی) تا چه حد قابل پذیرش و جذاب است؟	۱	۲	۳	۴	۵
۲۲	چقدر دوست دارید در حکومتی شبیه حکومت‌های غربی زندگی کنید؟	۱	۲	۳	۴	۵
۲۳	به نظر زندگی به شیوه غربی‌ها راحت‌تر است.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۴	آمریکایی‌ها و غربی‌ها در مسائل بین المللی فقط منافع خودشان را در نظر می‌گیرند.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۵	کشورهای اروپای غربی (به دلیل مسیحی بودنشان در پی تضعیف کشورهای اسلامی هستند.	۱	۲	۳	۴	۵

د) جهانی شدن

ردیف	موضوع	کاملاً موافقم	موافقم	نه موافقی، نه مخالف	مخالفم	کاملاً مخالفم
۲۶	در مدارس باید تاریخ جهان را به اندازه تاریخ کشورمان به بچه‌ها آموزش دهند.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۷	معتقدم بچه‌هایمان باید با افراد سایر کشورها نیز معاشرت و ارتباط داشته باشند.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۸	هویت انسانی مهمتر از هویت ایرانی است.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۹	برایم مهم است که عضوی از جامعه جهانی باشیم تا عضوی از کشور ایران.	۱	۲	۳	۴	۵
۳۰	معتقدم کشورمان باید در همه نهادهای بین المللی مشارکت و عضویت داشته باشد.	۱	۲	۳	۴	۵
۳۱	ایران باید درهای خود را بدون هیچگونه محدودیتی برای ارتباط با دیگر کشورها و در همه زمینه‌ها باز کند.	۱	۲	۳	۴	۵
۳۲	اکثر قوانین بین المللی و مقررات جهانی (مثل تجارت جهانی) به سود کشور ماست.	۱	۲	۳	۴	۵
۳۳	مسائل و مشکلات کشورهای دیگر (مثل آلودگی هوا، فقر، ایدز و ..) به اندازه مسائل و مشکلات کشورمان برایم اهمیت دارد.	۱	۲	۳	۴	۵

۳۴- اگر به شبکه‌های تلویزیونی ماهواره ای دسترسی دارید به طور متوسط در شبانه روز چقدر وقت صرف

تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای می‌کنید؟ ساعت دقیقه

۳۵- آیا به کامپیوتر دسترسی دارید؟ ۱- بلی ۲- خیر برو به سوال ۳۷

۳۶- به طور متوسط در طول هفته چقدر وقت صرف ارتباط با شبکه‌های اینترنتی می‌کنید؟ ساعت دقیقه

۳۷- آیا تاکنون به خارج از کشور سفر کرده اید؟

۱- خیر اصلاً

۲- بلی، کلاً یکی دو بار سفر کرده‌ام.

۳- بلی، تقریباً هر چند سال یکبار به خارج سفر می‌کنم.

۴- بلی تقریباً سالی یکبار به خارج سفر می‌کنم.

۵- بلی چند مرتبه به خارج سفر می‌کنم.

در گام نخست و پس از تغییر کد^۱ آزمون آلفای کرونباخ برای تمامی سوالات فوق (۳۳ گویه) در مرحله آزمون با حجم ۱۸۵ نفر اجرا شد چرا که تصور می‌رفت که تمامی آیتم‌های ذیل هویت مدرن از اعتبار سازه‌ای مناسب با همدیگر برخوردار باشند. و از آنجا که میزان آلفا محاسبه شده در حد قابل انتظار نبود، لذا گویه‌های ۱، ۷، ۱۰، ۱۵، ۲۵، ۲۶، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷ حذف شد و مجدداً آزمون آلفا انجام شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۱: نتایج آزمون آلفا کرونباخ گویه‌های هویت مدرن

RELIABILITY ANALYSIS - SCALE (ALPHA) Item-total Statistics

	Scale Mean If Item Deleted	Scale Variance if Item Deleted	Scale Item-Total Correlation	Corrected Squared Multiple Correlation	Alpha if Item Deleted
RQ2	84.4825	115.0261	.3387	.4246	.7618
RQ3	83.6014	113.2414	.3785	.3075	.7593
RQ4	83.1329	116.6935	.2973	.5200	.7642
RQ6	83.1329	115.8343	.3185	.3727	.7630
RQ8	83.7343	113.6613	.3993	.3945	.7586
RQ9	84.4336	111.6558	.4301	.4776	.7561
RQ11	82.8741	118.5615	.2334	.4755	.7672
RQ14	84.1469	109.9853	.4898	.4698	.7522
RQ16	83.4755	109.2934	.5138	.5240	.7506
RQ19	83.7762	114.4284	.3243	.3038	.7625
RQ20	82.6853	120.6538	.1444	.2715	.7708
RQ21	83.8601	111.7127	.4413	.3615	.7556
RQ22	84.5175	104.7867	.6308	.6313	.7412
RQ23	83.9650	106.7382	.6134	.5888	.7440
RQ27	83.2517	118.3728	.2136	.3562	.7683
RQ28	82.8462	121.6522	.0914	.1557	.7729
RQ29	83.4965	114.9137	.3236	.3249	.7626
RQ30	82.8252	121.8213	.0924	.4347	.7726
RQ31	83.4476	114.4603	.3478	.4035	.7613
RQ32	83.8601	118.0226	.1838	.2598	.7705
RQ33	83.2657	120.2106	.1168	.2235	.7733
Q5	83.6573	129.5367	-.2621	.2588	.7945
Q12	83.6224	122.2085	.0170	.2470	.7798
Q13	84.7552	122.1298	.0354	.2197	.7771
Q17	84.5944	115.1160	.3229	.4120	.7627
Q18	84.3147	111.2172	.4921	.4756	.7531
Q24	84.9720	119.3936	.1850	.2758	.7694

Reliability Coefficients 27 items

Alpha = .7711 Standardized item alpha = .7573

KMO and Bartlett's Test

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.839
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	6986.389
	df	351
	Sig.	.000

در مجموع و پس از حذف گویه‌های کمتر معتبر، میزان اعتبار سازه‌ای مقیاس هویت مدرن ۷۷ درصد بوده و نتیجه آزمون KMO نیز ۸۴ درصد بوده است. در گام بعد و پس از اجراء اصلی پرسشنامه با حجم ۱۸۰۲ نفر برای بررسی اعتبار سازه‌ای هر کدام از ابعاد هویت مدرن از تکنیک تحلیل عاملی^۱ بهره گرفته شد و گویه‌های نهایی هویت مدرن که اکنون از ۳۷ مورد به ۲۷ مورد تقلیل یافته بود، مورد بررسی قرار گرفت که پس از اجراء تکنیک تحلیل عاملی (اکتشافی) با روش چرخشی^۲ نتیجه نهایی ذیل به دست آمد.

جدول شماره ۲: نتایج آزمون تحلیل عاملی گویه‌های هویت مدرن

Rotated Component Matrix(a)

	Component						
	1	2	3	4	5	6	7
RQ2	.602						
RQ3	.626						
RQ4					.574		
RQ6					.636		
RQ8					.441		
RQ9	.548						
RQ11					.494		
RQ14							
RQ16	.489						
RQ19		.576					
RQ20		.635					
RQ21		.623					
RQ22		.587					
RQ23	.429	.528					
RQ27				.501			
RQ28				.636			
RQ29				.591			
RQ30				.521			
RQ31						.658	
RQ32						.786	
RQ33						.430	
q5							.584
q12							.773
q13							
q17			.689				
q18			.716				
q24			.491				

Extraction Method: Principal Component Analysis. Rotation Method: Varimax with Kaiser Normalization.

a. Rotation converged in 11 iterations.

بر این مبنا و بر اساس وزن یا بار عاملی هر گویه و نیز نحوه چینش و قرار گرفتن گویه‌ها و دسته‌بندی‌های ارائه شده در تحلیل عاملی، عوامل یا متغیرهای جدید ساخته شد و ساختار

1. Factor Analysis
2. Rotated

نهایی پرسشنامه به قرار ذیل تدوین گردید.

عامل اول: گرایش به ارزشهای بنیادی مدرنیته BAVLMD

چون در تحلیل عاملی گویه‌های دو بعد ارزش‌های بنیادی مدرنیته در بعد معرفتی و در بعد اجتماعی ادغام شد، محقق گویه‌های مهم و برجسته این دو را بر اساس بار عاملی بیشتر انتخاب و در یک بعد قرار داد. بنابراین دو بعد قبلی تبدیل به یک بعد شدند که شامل گویه‌های زیر هستند و بقیه گویه‌ها از این سازه (یا بعد) خارج شدند.

ردیف	موضوع	کاملاً موافقم	موافقم	نه موافق، نه مخالف	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	به نظر من همه عقاید و باورهای موجود در جامعه قابل نقد است.	۱	۲	۳	۴	۵
۲	برای اداره جامعه با وجود عقل نیازی به دین نیست.	۱	۲	۳	۴	۵
۳	هر کسی آزاد است هر اندیشه یا باوری داشته باشد حتی اگر خلاف باورهای دینی، اخلاقی و علمی دیگران باشد.	۱	۲	۳	۴	۵
۴	هر کس باید شیوه زندگی‌اش را انتخاب کند حتی اگر دیگران شیوه زندگی او را نپسندند.	۱	۲	۳	۴	۵
۶	باید سعی کنیم شرایط زندگی‌مان را مثل افراد موفق و کشورهای پیشرفته تغییر دهیم.	۱	۲	۳	۴	۵
۸	تنها عقل می‌تواند به ما بگوید که در جامعه چه قوانینی باید وضع کرد تا سعادت‌مند شویم.	۱	۲	۳	۴	۵
۹	دختران باید این حق را داشته باشند که بدون اجازه پدر هم ازدواج کنند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۱	هر کس باید بتواند به طور آزادانه کشور محل زندگی خود را انتخاب کند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۶	شیوه پوشش (لباس پوشیدن و حجاب) هر کسی مربوط به خودش است.	۱	۲	۳	۴	۵

عامل دوم: گرایش به مدرنیسم DSM

در تحلیل عاملی گویه‌های ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ که مطابق انتظار قبلی باید در ذیل یک بعد (یا یک عامل) قرار می‌گرفتند، با حذف گویه ۲۴ به طور طبیعی جمع شدند. بنابراین این بعد و جزئیات آن (یا همان گویه‌ها) قابلیت سنجش جداگانه را دارند.

ردیف	موضوع	کاملاً موافقم	موافقم	نه موافق، نه مخالف	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱۷	به نظر شما خشونت چقدر در کشورهای غربی (آمریکایی و اروپایی) رواج دارد؟	۱	۲	۳	۴	۵
۱۸	فکر می‌کنید دروغ و تزویر (بین مردم) در کشورهای غربی (آمریکایی و اروپایی) چقدر است؟	۱	۲	۳	۴	۵
۱۹	در مجموع در کشورهای غربی چقدر عدل، انصاف و رعایت حقوق هم‌دیگر رعایت می‌شود؟	۱	۲	۳	۴	۵
۲۰	چقدر در کشورهای غربی (آمریکایی و اروپایی) به علم و دانش توجه می‌شود؟	۱	۲	۳	۴	۵
۲۱	فکر می‌کنید موسیقی، فیلم‌های سینمایی و کلا فرهنگ و هنر غربی (آمریکایی و اروپایی) تا چه حد قابل پذیرش و جذاب است؟	۱	۲	۳	۴	۵
۲۲	چقدر دوست دارید در حکومتی شبیه حکومت‌های غربی زندگی کنید؟	۱	۲	۳	۴	۵
۲۳	به نظرم زندگی به شیوه غربی‌ها راحت‌تر است.	۱	۲	۳	۴	۵

عامل سوم: جهانی شدن GIOBISIM

انتظار اولیه قرار گرفتن گویه‌های ۲۵ تا ۳۳ در یک عامل بود اما در نتیجه اجراء آزمون تحلیل عاملی گویه‌های ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ در یکجا و گویه‌های ۳۱، ۳۲، ۳۳ در یک عامل دیگر قرار گرفتند. بر اساس مبانی نظری، نویسنده این دو عامل را به عنوان اعتقاد و گرایش به هویت جهانی (دسته اول)، بین‌المللی‌گرایی (دسته دوم) نامگذاری کرد. اما چون هر دو اینها بسیار به هم نزدیک و منطبق بودند و از لحاظ مفهومی یک معنا یا متغیر را اندازه‌گیری می‌کند، نگارنده هر دو دسته را به عنوان متغیر جهانی شدن قلمداد کرد و بر این اساس متغیر جهانی شدن با لحاظ پاره‌ای از نتایج آماری ایجاد شد که شامل سوالات زیر است:

ردیف	موضوع	کاملاً موافقم	موافقم	نه موافق، نه مخالف	مخالفم	کاملاً مخالفم
۲۶	در مدارس باید تاریخ جهان را به اندازه تاریخ کشورمان به بچه‌ها آموزش دهند.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۷	معتقدم بچه‌هایمان باید با افراد سایر کشورها نیز معاشرت و ارتباط داشته باشند.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۸	هویت انسانی مهمتر از هویت ایرانی است.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۹	برایم مهم است که عضوی از جامعه جهانی باشیم تا عضوی از کشور ایران.	۱	۲	۳	۴	۵
۳۰	معتقدم کشورمان باید در همه نهادهای بین‌المللی مشارکت و عضویت داشته باشد.	۱	۲	۳	۴	۵
۳۱	ایران باید درهای خود را بدون هیچگونه محدودیتی برای ارتباط با دیگر کشورها و در همه زمینه‌ها باز کند.	۱	۲	۳	۴	۵
۳۲	اکثر قوانین بین‌المللی و مقررات جهانی (مثل تجارت جهانی) به سود کشور ماست.	۱	۲	۳	۴	۵
۳۳	مسائل و مشکلات کشورهای دیگر (مثل آلودگی هوا، فقر، ایدز و...) به اندازه مسائل و مشکلات کشورمان برایم اهمیت دارد.	۱	۲	۳	۴	۵

در این بعد، گویه ۲۷ به دلیل بار عاملی کمتر (۰٫۵۱) نسبت به سایر گویه‌ها حذف شد.

جامعه آماری

با توجه به ضرورت ارائه یک برآورد ملی از متغیر اصلی پژوهش، جامعه آماری، مجموعه افراد بالای ۱۸ سال خانواده‌های معمولی ساکن در سی شهر (مرکز استان) کشور بود. روش نمونه‌گیری، چند مرحله‌ای بوده است. در طرح نمونه‌گیری، ابتدا کلیه استان‌ها از حیث شاخص‌های اساسی، مانند میزان توسعه اقتصادی - اجتماعی، جمعیت، قومیت، مذهب (شیعه و سنی) و موقعیت جغرافیایی، خوشه‌بندی شدند، سپس از میان خوشه‌های استانی، دوازده شهر مرکز استان به طور تصادفی برگزیده شدند. حجم نمونه ۱۸۰۲ نفر بود که ترکیب آن بر اساس حجم جمعیت خوشه‌ها در کل کشور توزیع و در نتیجه در هر شهر حجم نمونه معین شد. انتخاب نمونه نهایی به گونه‌ای صورت گرفت که در آن، گروه‌های مختلف قومی، مذهبی (شیعه و سنی) و استان‌های دارای درجات مختلف توسعه اقتصادی - اجتماعی حضور داشته

باشند. شیوه نمونه‌گیری از خانوارهای ساکن هر بلوک، نمونه‌گیری سیستماتیک و نحوه انتخاب فرد داخل خانوار به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای بوده است.

نیم رخ جمعیت نمونه آماری

حجم نمونه این طرح تحقیقاتی ۱۸۰۲ نفر بوده که ۵۰٫۶ درصد آن مرد و ۴۹٫۴ درصد آن را زنان تشکیل داده‌اند. از نظر سنی، ۳۲ درصد بین ۱۸ تا ۲۴ ساله، ۱۵٫۸ درصد ۲۴ تا ۳۰ ساله، ۴۰٫۳ درصد ۳۱ تا ۴۵ ساله، مابقی بین ۴۶ تا ۷۰ ساله بوده‌اند. در واقع ۴۸ درصد از جامعه آماری در گروه سنی جوان (۱۸ تا ۳۰ ساله) بوده‌اند. همچنین ۳۳ درصد خانه دار، ۱۳ درصد بیکار، ۴۰ درصد شاغل، ۶ درصد دانشجو، ۲٫۳ درصد دانش‌آموز، ۸ درصد سرباز و ۵٫۴ درصد بازنشسته بوده‌اند. از نظر تحصیلات ۱٫۲ درصد بی‌سواد، ۲۰ درصد ابتدایی، ۵۰ درصد راهنمایی تا دیپلم، ۲۸٫۲ درصد دانشگاهی و ۸ درصد حوزوی بوده‌اند. مذهب ۸۵٫۷ درصد پاسخگویان شیعه، ۱۳ درصد اهل سنت و تعداد بسیار کمی مسیحی، زرتشتی بوده‌اند. همچنین توزیع پراکندگی پاسخگویان تهران در میان ۲۲ منطقه شهر تهران رعایت شده و متناسب با حجم جمعیت هر منطقه، نمونه‌ها انتخاب شده است.

از نظر قومی ۷ درصد کرد، ۴٫۲ درصد لر، ۴ درصد بلوچ، ۵ درصد عرب، ۲۳٫۵ درصد آذری، ۲٫۸ درصد ترکمن، ۶٫۷ درصد گیلک و مازندرانی (در مجموع ۵۳ درصد قومی) و ۴۶٫۲ درصد فارس بوده‌اند. همچنین از نظر اینکه بیشتر پاسخگویان «بیشتر با چه زبانی در خانواده گفتگو می‌کنند» تقریباً با اندک مقادیر متفاوتی نسبت به سوال تعلق قومی تناسب لازم رعایت شده است.

یافته‌ها

مطابق روال گزارشات طرح‌های پیمایشی در گام نخست بیان داده‌ها، محقق به توصیف متغیرها و ارائه نتایج حاصله از متغیرهای اصلی تحقیق می‌پردازد. در این بخش صرفاً داده‌های متغیرهای ترکیبی ارائه شده و به جهت پرهیز از اطاله کلام، جداول فراوانی گویه‌های مربوط به هر متغیر گزارش نمی‌شود. نیاز به تاکید دارد که سازه‌های هر متغیر از طریق ضرب بار عاملی هر گویه (که در تحلیل عاملی به دست آمده) در پاسخ به دست آمده در هر طیف محاسبه شده و متغیر جدید ساخته شده است.

متغیر گرایش به ارزش‌های بنیادین مدرنیته (BASM0DVL) (در هر دو بعد معرفتی و اجتماعی)

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی گرایش به ارزش‌های مدرنیته

	درصد	فراوانی	
۳۱،۸	۱۲،۹	۱۵۳	کاملاً موافقم
	۲۸،۹	۵۲۱	موافقم
۴۹،۵	۴۹،۵	۸۹۲	نه موافق و نه مخالف
	۱۳	۲۳۵	مخالف
۱۳،۹	۹	۱۶	کاملاً مخالف
	۴،۷	۸۵	بی‌پاسخ
۱۰۰	۱۰۰	۱۸۰۲	جمع کل

دامنه متغیرات این متغیر بین ۴،۴۱ تا ۲۲،۰۵ بوده، میانگین آن ۱۴،۱ و میانه ۱۴ درصد است. نتایج نشان می‌دهد گرایش در حد متوسط به ارزش‌های بنیادین مدرنیته در بین نمونه وجود دارد.

متغیر گرایش به مدرنیسم (تمایل به غرب) MODERNS

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی متغیر گرایش پاسخگویان به غرب (کشورها و جوامع غربی)

	درصد	فراوانی	
۲۲،۱	۲،۸	۴۶	کاملاً موافقم
	۱۹،۳	۳۱۹	موافقم
۴۰،۳	۴۰،۳	۶۶۷	نه کم و نه زیاد
	۳۳	۵۴۶	مخالف
۳۷،۹	۴،۶	۷۶	کاملاً مخالف
	۱۰۰	۱۰۰	۱۶۴۵

دامنه تغییرات این متغیر بین ۴،۸۵ تا ۲۴،۹۹ بوده و میانگین آن ۱۳،۴ است. میانه نیز ۱۳،۲ است. میانگین به دست آمده حکایت از گرایش کمتر از میانگین نمونه به مدرنیسم دارد.

هویت جهانی GLOBIDT

آگاهی و گرایش به مسائل جهانی و تلقی فرد از خود به عنوان یک عضو جامعه جهانی و بین‌المللی‌گرایی پاسخگویان بر اساس گویه‌های نهایی که برای ساخت این متغیر انتخاب شده‌اند به شکل زیر قابل بیان است:

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی متغیر هویت جهانی

	درصد	فراوانی	
۵۵،۴	۹،۹	۱۶۸	کاملاً جهانی
	۴۵،۵	۷۷۲	تاحدی جهانی شده
۳۷،۶	۳۷،۶	۶۳۸	نه کم و نه زیاد
	۶،۸	۱۱۵	کمتر جهانی شده
۸،۸	۲	۴	اصلاً (غیر جهانی)
	۱۰۰	۱۰۰	۱۶۹۷

دامنه تغییرات هویت جهانی ۱۵,۰۲ تا ۵,۶ است. میانگین آن ۱۴,۳ است و میانه نیز ۱۴,۲ است. رقم میانگین نشان‌دهنده میزان گرایش بالاتر از حد متوسط به هویت جهانی است. میانگین کلی هویت مدرن (با تلفیق سه بعد اصلی فوق‌الذکر) ۳,۲۱ است که از میانگین بالاتر است.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی متغیر هویت مدرن (کلی)

فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
۶	۰,۳	۰,۴	۰,۴
۱۴۸	۸,۲	۹,۸	۱۰,۲
۸۸۶	۴۹,۲	۵۸,۷	۶۸,۹
۴۳۷	۲۴,۲	۲۸,۹	۹۷,۸
۳۳	۱,۸	۲,۲	۱۰۰,۰
۱۵۱۰	۸۲,۸	۱۰۰,۰	
۲۹۲	۱۶,۲		
۱۸۰۲	۱۰۰,۰		

نتیجه گیری

همانطور که ملاحظه شد، واریانس متغیرهای هویت مدرن بدین شرح است: نگرش ایرانیان به ارزش‌های بنیادین مدرنیته در حد متوسط (نسبت به میانگین) است؛ اما نگرش آنها به مدرنیسم و تمایل به غرب از میانگین نمونه پایین‌تر است؛ در حالی که دیدگاه آنها نسبت به هویت جهانی بالاتر از حد میانگین است؛

جدول شماره ۵: گرایش نمونه آماری به ابعاد سه‌گانه هویت مدرن

ردیف	ابعاد هویت	دانه تغییرات		میزان در سطح کل جامعه آماری	میانگین
		max	min		
۱	گرایش به مدرنیسم	۴/۸۵	۲۴/۹۹	۱۳/۴	پایین‌تر از میانگین
۲	هویت جهانی	۵/۶	۱۵/۰۲	۱۴/۳	کمی بالاتر از میانگین
۳	گرایش به ارزش‌های بنیادین مدرن	۴/۴۱	۲۲/۰۵	۱۴/۱	نزدیک به میانگین

نتایج به دست آمده نشان از آن دارد که سبب توسعه ارتباطات، ایرانیان سعی کنند جهانی فکر کنند و با سایر ملل در تعامل باشند و خود را در مشکلات و مسائل جهانی مشترک ببینند. در حالیکه نگاه مثبت و خوبی به وضعیت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی کشورهای غربی و اندیشه‌های مدرن ندارند. در حقیقت تمامی عناصر مدرنیته به طور یکپارچه در هویت جمعی فرهنگی ایرانیان نهادینه نشده‌اند. با این همه باید در نظر داشت که در سبک زندگی روزمره ایرانیان، عناصر متعدد مدرنیته (نه به عنوان نظر و نگرش بلکه در عمل و اقدام جاری) توانسته است به شیوه‌های کاملاً هماهنگی با سایر عناصر هویت فرهنگی جمعی ایرانیان تعامل داشته

باشند و کنشگران به خوبی از عهده ترکیب‌سازی و تقریب مدرنیته با عناصر سنتی برآیند. در مطالعاتی که در حوزه مطالعات فرهنگی و با رویکرد بررسی زندگی روزمره و سبک زندگی صورت گرفته (از جمله حاجیانی، ۱۳۸۶) شواهد تجربی زیادی در این مورد دیده می‌شود، این ایده (همزیستی مدرنیته با مذهب و سایر سنت‌های ایرانی) قابل بررسی دقیق و احیاناً قابل اثبات خواهد بود.



منابع

- آزاد ارمکی، دکتر تقی؛ (۱۳۸۳)، مدرنیته ایرانی، تهران، نشر اجتماع.
- آزاد ارمکی، دکتر تقی؛ (۱۳۸۱)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات سروش، تهران.
- آشوری، داریوش، (۱۳۷۸) ما و مدرنیته، صراط.
- ابوالحسن تنهایی، حسین؛ (۱۳۷۱)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، مرن‌دیز.
- بهنام، جمشید و جهانگلو، رامین، تمدن و تجدد، تهران، نشر مرکز
- بهنام، دکتر جمشید؛ (۱۳۵۵)، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران، نشر فروزان.
- تاجیک، محمدرضا؛ (۱۳۸۶)، شکاف یا گسست نسلی در ایران امروز، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- توسلی، غلامعباس، (۱۳۶۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، نشر سمت.
- حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۸۶)، الگوهای سبک زندگی ایرانیان، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۸۷)، مطالعه تجربی هویت، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳۴.
- دفتر طرح‌های ملی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- میلر، دلبرت، سنجش در تحقیقات اجتماعی، هوشنگ ناییبی، انتشارات آستان قدس رضوی،
- شادمان، سید فخر الدین، (۱۳۸۲)، تسخیر تمدن فرهنگی، تهران، نشر گام نو.
- شیاما چاران دوب، (۱۳۷۷)، نوسازی و توسعه، مترجم مرتضی قره‌باغیان، مصطفی زرغامی، رسا.
- عاملی، سعیدرضا؛ (۱۳۸۳)، جهانی شدن‌ها، ارغنون، شماره ۲۴.
- کوزر، لیویش؛ (۱۳۷۸)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، علمی.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- لرنز، دانیل؛ (۱۳۸۳)، گذر از جامعه سنتی، غلامرضا خواجه‌سروی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مایرون وینر، (۱۳۵۳)، نوسازی جامعه، مترجم رحمت الله مراغه‌ای، شرکت سهامی کتب جیبی.
- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، (۱۳۸۴)، پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران، ایسپا.
- واحد سنجش افکار عمومی مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما، بررسی آینده‌آل‌های جوانان درباره مسائل فرهنگی، شماره ۴۸۸، بی تا.

- Brewer, M.B and Gardner W.(2002) who is this "we" levels of collective identity and self representations. Journal of personality and social psychology 71, 83 – 93.
- Christin, Thomas. And Trechsel Alexander,(2002), At the crossroads of national identity and institutional attachment Switzerland's EU in perspective, ECPR joint session of workshop, (Turin 22 – 27, unpress.
- Gundelach Peter,(1994) , National value differences modernization or institutionalization? International Journal of comparative sociology. 7:35, n 1-2 jan – april.
- Haque, Amber,(2001), Preserving culture Identity, in 21 century; challenges to the Emirati youth. UAE. University, Al Ain, the seventh Annual. UAE, university Research conference
- John B, Stephenson(1968) .Shilo:A Mountain Community . Lexington. university of Kentucky press

- Motyl, Alexander J.(1992) The modernity of Nationalism nation, states and nation – state in the comtemporary world, journal of internation affairs, wint, no 45
- Nederveen Pieteres, J.(2003) Globalization and Hyberization In M. Featherstone et. al., (eds), Global Modenities, London, Sage
- Schnaiberg,Allan , (1994) , Envirenment and Society , Martin press , New York
- Snow, David,(2001), Collective Identity and Expressive Forms, Univesity of California, paper : 01/07 in : [http/ repozitoris. Cdlib.org](http://repositoris.cdlib.org)
- Tomlinson, J. , (1999), Globalization and cultur, Cambridge, Polity Press.
- Werbner, P. and Modood, T., (eds), (1997), Debating Cultural Hybridity, London, Zed books

